

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (مجنوب‌علی‌شاه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
شعری می‌گوید:

مرد باید که گیرد اندر گوش و نوشته است پند بر دیوار
البته این اصطلاح پند بر دیوار نوشتن یعنی از در و دیوار جلوه‌های خدا را ببینند؛ به قول هاتف:
یار بی‌پرده از در و دیوار متجلی است یا اولی الابصار
ای کسانی که دیده دارید! منظور از در و دیوار، همه‌ی خلقت است. نمونه‌اش همین هوای گرم
امسال که سه چهار روز پیش یکی می‌گفت: چهل و سه درجه، من نشنیده بودم و این آلودگی هوا
که هر چند حالا به ما نمی‌گویند یا اینکه نفهمیدند که این چه هست؟ و این همان چیزی است که
به صورت مایع، به صورت آب درآمد، از تنور جوشید بعد دشمنان حضرت نوح را غرق کرد. داستان‌های
گرفتاری‌های پیغمبران زیاد است و فقط برای آنها و در آن دورانی که دیگر تمام شد، نبود. نه! تمام
نشده، هنوز هم هست.

البته در جوار این غرق شدن‌ها یک رحمت الهی هم هست که کشتی را آورد و گفت: سوار
شوید. برای اینکه در آیه‌ی قرآن می‌گوید **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ** (اسراء، ۷۰)، ما
بنی آدم را محترم داشتیم بنی آدم را دوست داشتیم و او را در خشکی و در دریا حمل کردیم. هم برای
او کشتی فرستادیم، هم برای او ترن و اتومبیل و... فرستادیم. در آیه‌ی دیگری خداوند می‌فرماید که:
وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ (ابراهیم، ۳۴)، خطاب به بنی آدم می‌کند (همین بنی آدمی که می‌فرماید: **وَلَقَدْ
كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**) می‌فرماید: هر چه مورد نیاز زندگی شما بود برای شما فراهم کردیم و الان مورد نیاز
زندگی بشر آب است و هوا و غذا، اینها هم بطور کامل در دسترس بشر هست. ما خودمان نیازهای
جدید آفریدیم و بعد رفتیم دنبال آن که نیازها را رفع کنیم. این هم موهبت الهی است برای تکامل
نوع بشر. بنابراین آنچه که مقتضی زندگی ما بود خداوند در اختیار ما گذاشته است. یک جای دیگر
نعمت‌های خدا را می‌شمارد و بعد می‌فرماید: **نِعْمَةٌ اللَّهُ لِأَخْصُوها** (ابراهیم، ۳۴/نحل، ۱۸). نعمت‌های خدا را
نمی‌توانید بشمارید. یعنی هر نفسی در واقع یک نعمت است. می‌گوید: با این همه نعمت‌ها چرا
شکرگزاری نمی‌کنید؟ البته خودش هم جواب ما را داده و می‌گوید **قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ** (سبا، ۱۳)،
عده‌ی کمی از بندگان من شکرگزار هستند، ولی ما به‌هراندازه که می‌توانیم و در قدرت ما هست،
شکر کنیم که خداوند فرمود: **لَا تَكْفُرْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا** (انعام، ۱۵۲/اعراف، ۴۲/مؤمنون، ۶۲)، هیچکس را
زیادتر از قدرت او تکلیف و وظیفه ندادیم، ولی همان اندازه که در خور و وسع ما هست، باید شکرگزار
این منعم که به ما این همه نعمات داده باشیم. نگویید که زندگی ما که هیچ راحت نیست. زندگی بشر
همه وسایل راحتی را دارد، ما خودمان جوالدوز به خودمان می‌زنیم و می‌گوییم آخ! والا هیچ نیست.
یک روزگاری اگر بشود که مردم به‌هم کاری نداشته باشند می‌توانند نعمت‌های خدا را متمتع بشوند و

استفاده کنند.

در مقابل این همه نعماتِ خداوند، ما باید با دشمنانِ خداوند بجنگیم. رأس این دشمنان شیطان است که آن نویسنده‌ی انگلیسی، (مثل اینکه نویسنده‌ی ناپینایی است، اسم او الان یادم رفته) کتابی نوشته در سه جلد و ترجمه هم کرده‌اند، داستانِ خداوند و شیطان را جداگانه به صورت رمانی درآورده است. البته نه از این قبیل رمان‌هایی که هست، نه! ولی واقعاً خیلی دقیق بیان کرده و شیطان را در مقابل خدا قرار داده است. البته ما هم همین قدر یک مقداری از آن قبول داریم و می‌گوییم اول خداوند به شیطان گفت: اینجا تکبر کردی! اینجا جای تکبر نیست، برو بیرون. بعد او گفت: حالا که من را بیرون کردی، بین به سر این مخلوق خودت که خیلی او را دوست داری چه بلایی خواهم آورد، بسم‌الله، شما بگویید چه بلایی؟ به هر جهت بزرگ‌ترین دشمن خدا همین شیطان است. ما باید با شیطان مبارزه کنیم و شیطنت که از شیطان ناشی می‌شود و در بعضی دیگر از شاگردان او هم هست. خود شیطان از جنس فرشتگان بود یعنی خداوند دو سری مخلوقات داشت یک سری مخلوقات مادی که ما بشر و حیوانات را آفریده و یک سری مخلوقات غیر مادی، فرشتگان و جن. نه اینکه جن‌گیری و رمالی و... باشد، نه! جن یک چیزی هست ولی ما نمی‌دانیم چیست، بیشتر از این هم هر کسی بگوید، غلط گفته است. خداوند اینها را آفریده و شیطان از جمله‌ی اینها بود که در صف ملائکه بود و الاً خداوند گول می‌خورد که این شیطان خودش را در صف ملائکه جا بدهد؟ نه! اصلاً. چون جنس آنها یکی بود، شیطان را هم خدا اجازه داده بود در صف ملائکه باشد. بعد هم خود خدا می‌دانست برای اینکه وقتی به فرشتگان گفت که سجده کنید، آیه‌ی قرآن می‌گوید: همه سجده کردند جز ابلیس، ابلیس هم جزء آنها بود. ولی مواظب باشید همین ابلیس یک وقتی به صورت فرشته ظاهر می‌شود، به صورتی ظاهر می‌شود که شما را گول بزند. در هر کاری که با وحدانیت و قدرت خدا مخالفت بشود آن کار از ناحیه‌ی شیطان است. گناهان ما هم از این جهت است، یعنی گناه ما این است (در هر گناهی که مرتکب می‌شویم) که فرمان خدا را اجرا نکردیم. البته فرمان خدا هر وقت یک چیز است، متفاوت است. فرض کنید مثلاً در مذهب یهود یک دورانی گوشت شتر حرام بود، در مذهب اسلام حرام نیست، حتی بعضی تیمناً می‌خورند. اگر در آن دوران کسی می‌خورد، دشمنی با خدا کرده بود، در این دوران نه! در خود عمل چیزی نیست، بلکه عدم توجه به خداوند خطا و گناه است. به هر جهت بدانید همیشه با خدا باشید تا خدا هم همیشه با شما باشد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، ۱۳۹۰/۴/۳)



از قدیم در اذهان مانده است که طبابت را تقسیم کرده‌اند به طبّ روانی، پزشکی روانی و پزشکی جسمی. برای اینکه مشخص‌تر و روشن‌تر بشود حرف‌هایی زد، تقسیم‌بندی خوب است، و الاً روان انسان از جسمش جدا نیست، هر دو در هم خیلی مؤثر است. به آن تحصیلات هم باید توجه داشت، روان‌پزشکی‌ای هم که الان متداول است روان‌پزشکی نیست، در واقع پزشکی اعصاب است، برحسب این نظریه که می‌گویند هر کسالتی، چه روانی و چه غیر روانی در بدن اثر فراوان دارد. مثلاً مالاریا را می‌گویند در خون وارد می‌شود، آرتروز مال استخوان است و در این مورد هم خیال می‌کنند که روح انسان و روان انسان در اعصابش است. البته اعصاب، وسیله‌ی ارتباط بدن است، وسیله‌ای که

رابطه بدن را با روح دارد، ولی بیماری روانی، بیماری اعصاب نیست. این است که روان‌پزشکی که امروز در دنیا متداول است تقریباً به نتیجه‌ی قطعی نمی‌رسد. آن کسی که روان‌پریشی دارد، به اصطلاح پریشانی دارد، با این دواها حالش بهتر می‌شود، ولی خوب نمی‌شود و به محض اینکه دواها را قطع کنند، بیماری و ناراحتی‌هایش عود می‌کند. این است که از اوّل باید به ناراحتی‌های روانی توجه داشت و آنها را مستقلاً درمان کرد. این هم به پدر و مادرها که با بچه تماس دارند مربوط می‌شود، البته آنها هم، علم کاملی به این قسمت ندارند، ولی خود طبیعت، خود فطرت به آنها یاد می‌دهد. برای اینکه همه‌ی آن بیماری‌هایی که بعد ایجاد می‌شود مثل پارانویا، از کودکی شروع می‌شود، غالباً هم ممکن است با کودکی همراه باشد. یعنی از اوّل که طفل متولد می‌شود این استعداد در ذهنش باشد. کودک هنوز حرف نمی‌زند، فعالیت نمی‌کند، چیزی بلد نیست، ولی بدنش و اعصابش مستعد است که وقتی بزرگ شد، خدای نکرده، فلان بیماری روانی را بگیرد. این است که از اوّل باید توجه داشت. در این دو سه موضوع، علوم جدید، خدمتی به ما کرده است، در قسمت‌های روانی، در واقع به ما خدمتی کرد. یکی همین که توجه داد که از کودکی باید به این بیماری‌ها توجه کرد. قدیم معتقد بودند که کودک خاطره ندارد. یعنی در کودک هیچ چیزی اثر نمی‌کند، برایش همه‌ی اینها فرقی ندارد، از وقتی که خاطره دارد، ممکن است بیماری روانی داشته باشد. ولی دانشمندان جدید در آن رشته خودشان بررسی کردند و به نتیجه رسیدند و گفتند که کودکان از دو سالگی، چیزهایی به خاطرشان می‌آید و در روانشان اثر دارد. این است که باید متوجه بهداشت روانی کودکان از دو سالگی بود. بعد بعضی که اطلاعات طبّی هم داشتند از لحاظ طبّی گفتند نه، وضعیت روانی کودک از موقع تولّد تأثیرپذیر است. ولی دستورات روان‌شناسی که به ما دادند، یا دستورات دیگر، حالا اسمش را هر چی گذاشتند، چون مردم فقط به گفته‌ی امام، یا پیغمبر اعتماد می‌کردند نه به اطباء، بیشتر اطباء قدیم وقتی که می‌خواستند مطلبی را بگویند، یا دستورالعملی بدهند، یک خبر جعلی درست می‌کردند که امام اینطور فرمود. (حالا بطور مثال) من نمی‌دانم ولی می‌گویند برای صبحانه پنیر تنها نخورید، با مغز گردو بخورید. می‌گویند امام گفت. آخر امام اصلاً به مغز گردو چه کار دارد؟ به نظر نمی‌رسد واقعاً این حرف صحیح باشد ولی این دستورالعمل صحیح است. یعنی خوب است. این را بطور مثال گفتم.

در مورد خاطرات، از گذشته، حتی قبل از تولّد گفتیم، یکی از علمای روانکاوی از خواب‌هایی که کسی دیده، یادداشت برداشته و مثال می‌زند، می‌گوید: این خواب، چیزهایی است که خیلی قبل از تولّد، در سلول‌های بدن او بوده. چون درست است که کودک از روز تولّد حیات دارد، ولی سلول‌های بدنش از خیلی قدیم، حیات دارند و خاطراتی از پیش با او هست. یکی از این چیزها مسأله‌ی حسد است. بلکه سوّالی هم رسیده، من البته چند تا سوّال رسیده بود، گذاشته بودم که در جلسه‌ی عمومی بگویم، یادم رفت بیاورم. فقط این یکی یادم است که امروز صحبت می‌کنم. این مسأله‌ی حسد، در همین کودکی هم هست ما می‌بینیم که حسد کودکان نسبت به هم، نه اینکه از آن وقت به وجود می‌آید، از قبل استعدادش را دارند ولی در آن موقع ظاهر می‌شود. روحیات مادر یا پدر هم در این اثر می‌کند و طفل به دنیا که می‌آید دارای این خاصیت می‌شود. در مورد اکثر مردم، چون به یک دینی متدین هستند (ادیان الهی ابراهیمی که یهودی و مسیحی و اسلام باشند قسمت اعظم جمعیت مردم

هستند). داستان حضرت آدم و رقابتش با ابلیس را شنیده‌اند. منتها آدم به ابلیس حسادت نورزید ابلیس به آدم حسادت ورزید. بنابراین حسادت مال ابلیس است. آدم از خداوند خواست که شرّ ابلیس را از سرش کم کند و حسادت هم نداشته باشد. ولی قهراً وقتی به دنیا آمدند، ابلیس آمد و به صورت دیگری مجسم شد، حسادت در هر دو ایجاد می‌شود. این می‌بیند طرف حسادت می‌کند، آن هم خودبه‌خود نه اینکه بخواهد حسادت بکند، حسادت در وجودش ایجاد می‌شود. این است که اگر در کودکان هم دیدید که حسادت در آنها ظاهر شد، نخندید. به‌خصوص مادرها، یا پدرها هم همینطور، از خودشیرینی بچه‌هایشان خوششان می‌آید. بسیار خوب و طبیعی است، ولی حسادت بین آنها، گاهی اوقات به صورت خودشیرینی درمی‌آید، پدر و مادرها هم خوشحال می‌شوند و به او می‌خندند. همین خنده خوب نیست. برای کودکان خودتان، فرزندان، اگر خصلت بدی دیدید، هرگز در آن موقع نخندید. این خودش تشویق می‌شود و بالاترین مؤثر و مشوق برای بچه‌ها تأیید پدر و مادر است. بنابراین اینکه نوشته بودند وقتی حسد ظاهر می‌شود چه کار باید بکنیم؟ از اوّل باید دقت کنید که حسادت در کودکان ظاهر نشود. بعد به موقع (نه آن موقع، موقع دیگر) وقتی صحبت می‌کنید، از معایب حسادت بگویید. برای اینکه حسادت مثل موربانه است، بدون اینکه خود آدم بفهمد فکر را می‌خورد. مگر اینکه در مورد حسادت کسی یا بچه‌ای که به دیگری حسادت می‌ورزد، تحقیق بشود که به چه چیز او حسادت می‌ورزد؟ به ثروتش؟ می‌گوید: تو هم برو فعالیت کن، ثروت پیدا می‌شود. به مقامش؟ می‌گوید: اگر فعالیت کردی، تو هم به آن مقام می‌رسی. همه چیز را خلاصه برگرداند به خود فرد بگوید: حسادتی که آن می‌کند، برای تو، باید مفید باشد و بروی دنبالش.

راجع به حسادت، کتاب‌های زیادی هم نوشته شده، هم در روان‌پزشکی و هم در روان‌کاوی و برای فهم، اینها را باید بیشتر از جنبه‌ی روانی دنبال کرد، نه از جنبه‌ی بدنی. من نه روان‌پزشکم و نه پزشک، همین قدر که گفتم، یادم آمد. معذرت می‌خواهم. بیشتر مسائل روانی را، همه‌ی انسان‌ها، اگر فکر و توجه بکنند، خودشان درک می‌کنند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، ۱۳۹۰/۴/۱۱، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده (محبوب علی‌شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی (بیانات جلدات صبح) / شرح رساله شریف‌پند صلاح (تلفیق دو دوره آغاز شده در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶ / شرح فرمایشات حضرت بجاورد علیّه (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیّه (تفسیر مصباح الشریعه و منقح الحقیقه) / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده، حقوق مالی و عشریه، رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات) / مکاتیب عرفانی (مجموعه پاسخ بر نامه‌ها) / مجموعه دستور العمل با و بیایه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه مصاحبه‌ها، عرفان در کار اداری، سلوک عرفانی در دوره مدرن) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEHI21.COM اقدام فرمایید.